

## گفت‌وگویی «شهریوز» با ۴ بانوی مدال آور ایران در بازی‌های آسیایی

# زنانه جنگیدیم؛ زنانه پیروز شدیم

طلا یا نقره فرقی نمی‌کند، مهم اهتزاز پرچم ایران بود

### خدمتی: روز قهرمانی با خانواده‌ام گریه کردم

دختر ۱۸ ساله بیرجندی و اولین طلایی ایران در اینچئون، نجه خدمتی دختری که یک لحظه در طول مسابقه نگاهش از روی مگسک منحرف نشد و تیرهایش را به سوی سیبل‌های طلایی نشانه گرفت. در فینال ۷ دقیقه فرصت برای زدن تیر قلیق به او داده شد و بعد از آن با فرمان مسئول خط در زمان ۷۵ ثانیه یک تیر شلیک کرد. پس از زدن ۱۰ تیر و با پیروزی در مسابقه نهایی به مدال طلا رسید تا اثبات کند، تیراندازی فقط مخصوص پسران نیست. دختران هم می‌توانند در میادین بین‌المللی تیر بیندازند و مایه غرور ملت شوند.

**اولین مدال کاروان را به‌دست آوردن، چه حسی دارد؟**  
بیانش برام کمی سخت است. خصوصا برای من که اولین تجربه‌ام در این بازی‌ها بود. زمانی که پدر و مادرم با من تماس گرفتند و تبریک گفتند، لحظات فراموش نشدنی برام بود، هر سه ما گریه می‌کردیم.

**از ایران با تو تماس گرفتند؟**  
بله، آنها وقتی صبح برای دیدن مسابقه بیدار شده بودند، دست به‌دعا امتیاز تیرهای مرا می‌شماردند. خودشان می‌گویند، وقتی نوبت به تیرهای آخر رسید، اشک در چشمانشان جمع شده بود.

**پس آنها مشوقان اصلی تو برای این ورزش هستند؟**  
بله، مادرم مربی تیراندازی است. از طریق او بود که با این ورزش آشنا شدم. مربی خود من هم اوست.

**مادرت فکر می‌کرد طلا بگیری؟**  
مادرم همیشه به من یاد داده که سخت تلاش کنم تا راه موفقیت برای من هموار شود. در واقع مدال خود را مدیون راهنمایی‌های مادرم هستم. خانواده‌ام برای من خیلی زحمت کشیدند.

**انها دعا کردند و سیاسی‌گزار هر دو هستند. قبل از بازی‌ها هم مربیان و اطرافیان به من انرژی می‌دادند. من هم تمام سعی‌ام را کردم تا بتوانم طلا بگیرم که خوشبختانه به این مهم رسیدم.**

**شاید به‌خاطر سن کمات کسبی فکر نمی‌کرد که مدال بگیری، این هم طلا ولی این اتفاق رخ داد...**  
من به اندازه بزرگ‌ترها تلاش کردم. در المپیک نانجینگ و رقابت‌های جهانی اسپانیا خوب تیر زدم و تجربیات این دو پیکار را به کار گرفتم. پیش‌بینی مدال طلا را می‌کردم اما نه در انداز. پیش‌بینی می‌کردم در تیمی مدال بگیرم.

**نفرات برتر جهانی در این بازی‌ها حاضر بودند، به‌ویژه تیرانداز چینی که طلای المپیک را هم داشت. تا لحظه آخر هم مشخص نبود که چه کسی قهرمان می‌شود ولی ۳ نفر اول مشخص شده بودند و می‌دانستم جزو ۳ نفر اول هستم.**

**رقابت‌ها را بگیرند. وقتی خودمان بودیم، یک‌جور سر گرفتن طلا کنار می‌آمدیم.**  
**نگاه رقیبایت به شما چگونه بود؟**  
آنها متعجب شدند. شاید اصلا انتظار نداشتند دو ایرانی مدال‌های بارزش مسابقه را بگیرند. چین، هندوستان و سنگاپور مدعیان اصلی این رشته هستند. بنابراین کار با آنها در بازی‌های آسیایی بسیار دشوار شد.

**شنیده‌ایم در بیرجند استقبال گرمی از شما شد و سکه‌باران هم شده‌ای؟**  
استقبالی که از من در بازگشت از اینچئون شد، واقعا احساس غرور کردم و خوشحالم. مردم و مسئولان دلگرم کردند. جشنی هم برگزار کردند که در آن مسئولان اداره ورزش و جوانان و استانداری خراسان جنوبی با اهدای سکه از من قدر دانی کردند.

**تیراندازی رشته خاصی است و شاید برای خیلی‌ها جذاب نباشد! با این نظر موافق**

**هستی؟**

خیلی‌ها می‌گویند این ورزش تحرک ندارد اما به نظر من در تیراندازی همه فعالیت‌های یک ورزش دوومیدانی یا بسکتبال انجام می‌شود. یا نقره. مهم این بود که سرود ایران در سالن مسابقات خوانده شود و این که پرچم ایران به اهتزاز در آید. حواسم بود؛ هدف من و نرجس این بود که به حرفانمان اجازه ندهیم دو مدال ناب

آموزش داده شوند. گاهی وقت‌ها انجام یک دوره مسابقه ساعت‌ها طول می‌کشد. یک روز شکار وزیده تحمل بیشتر و در مرحله نهایی بازی‌های کمتری در مقابل خستگی دارد. طبیعی است، اگر این تمرینات نباشد، تمرکز خوبی هم به وجود نمی‌آید.

**در زمینه باشگاهی هم فعالیت داری؟**  
بله، در باشگاه مقاومت تیراندازی می‌کنم و در لیگ هم با این تیم هستم اما تیراندازی به امکانات نیاز دارد تا پاسخگوی علاقه‌مندان باشد. ما به دلیل تحریم‌ها، فشنگ نداریم و با آن که در تفنگ خفیف ورزشکاران خوبی داریم ولی به دلیل نداشتن فشنگ به حقم نمی‌رسیم.

**میزان طرفداران این رشته چقدر است؟**  
ببینید در همین چند روز چند تیراندازی شناخته شد؟ دلایل رسانه‌ها بودند. پس می‌شود ورزش‌هایی را که سال‌ها محروم بودند بیرون کشید و آنها را به مردم شناساند.

۸۰ سانتی‌متر در سکوی دوم ایستد و مدال نقره را صاحب شود. او با این مدال، اولین مدال بانوان را در این رشته کسب کرد. رجبی در سال ۸۶ با تغییر تابعیت و پذیرفتن دین اسلام به کشورمان آمد و به همسری پیمان رجبی درآمد و اکنون سال‌هاست که پیراهن تیم ملی ایران را بر تن کرده است.

**از چهل و هوای روز مسابقات در اینچئون صحبت کن.**  
رقیب اصلی‌ام از چین بود که در کشوری مانند آلمان تمرین می‌کند. مدال برنز المپیک را داشته و در قهرمانی جهان صاحب عنوان است ولی من می‌توانستم با حضورش به مدال طلا برسم ولی هر چه تلاشم را کردم نشد.

**چرا؟**  
حرفانم مدت‌ها در کمپ‌های اروپایی تمرین می‌کنند و شرایط بهتری نسبت به ما دارند. آنها برنامهریزی کار می‌کنند. اردو برای ورزشکار بسیار خوب است اما نه این که تنها ۳ یا ۴ ماه مانده به

هیچ مشکلی برایت در تمرینات به‌وجود نیامد؟  
متأسفانه چندبار دست‌چشم آسیب دیده به‌خاطر تفاوت غلظت‌زدن‌ها نزدیک بود چندین بار خفه شوم. به‌رحال شانس آوردم و مربیان هم خیلی به من کمک کردند تا بعد از یک‌ماه به سیستم وارد شدم و در نهایت بازحالت فراوان به تیم ملی راه پیدا کردم.

**در اینچئون تک‌مدال اسلalom را به نام خود ثبت کردی، چه احساسی داری؟**  
در این رقابت‌ها حرفان کار کشته‌ای روبه‌روی خود داشتیم. آنها سال‌ها در آب‌های خروشان کار کرده بودند. رقیب چینی من که قهرمان جهان بود و حرف تایلندی نیز در اردوی بانکوک مرا پشت‌سر گذاشته بود. ژاپنی‌ها و کره‌ای‌ها هم خیلی قوی بودند که ضمنت‌غلظت‌زدن‌ها را پشت‌سر گذاشتم.

**استرس زیادی در بازی‌ها داشتی. گویا به‌راحتی نمی‌توانستی نفس‌یکشی...**  
بله فشار روانی بالا بود. نداشتن یک روانشناس در تیم دل‌هره‌ام را زیادت‌تر کرده بود. کسی هم نبود آرام کند. من حتی در حد یک ورزشکار حرفه‌ای نمی‌توانستم غذا بخورم.

**با این شرایط،**

**خوب توانستی به**

**فینال برسی.**

بله ۶ ماه تمرین سخت و فشرده‌ای انجام داده بودم اما متأسفانه در فینال، حریف چینی روش مبارزه مرا خواند و نتوانستم مبارزه خوبی مقابل او داشته باشم و باختیم.

**همه تعجب کردند که به حریف چینی باختی؛ چون او را در فینال جهانی مغلوب کرده بودی؟**  
در بازی فینال شرایط فرق می‌کرد. ووشوکار چینی بازی مرا آنالیز کرده بود و دستم را خوانده بود. او در فینال با تکنیک جدیدی مبارزه کرد و در حدی جنگید که غافلگیر شدم. برعکس من که نوع مبارزه‌ام هیچ فرقی نکرد و همین امر باعث از دست دادن طلا شد. کاش مربی‌ام تغییر روش مبارزه‌ام به من تأکید ویژه می‌کرد.

**غذای خودی؟**  
البته در این‌باره اغراق زیادی شد. من غذایم را می‌خوردم اما نه در حد یک ورزشکار حرفه‌ای آن هم به‌خاطر استرس زیاد بود. بعضی روزها فقط یک تکه گوشت را می‌جویدم تا تنها آب آن به‌مدن برسد.

**برای آینده‌ها چه نقشه‌ای داری؟**  
من تمام تمرکز من روی اینچئون بود و به آرزوی بعدی‌ام فکر نکردم اما امیدوارم این رشته را تا بازی‌های بعد به حال خود رها نکنند و مسئولان کمک کنند تا صاحب پیست استاندارد شویم.

مسابقات به اردو بروی.

**یعنی اردوی بلاروس خوب نبود؟**  
برای من نسبت به دوره‌های قبلی بهتر بود. ۴ مسابقه هم در این کشور داشتم که در یکی از آنها اول شدم و ۳ مسابقه دیگر به مقام دومی رسیدم اما باید یک برنامه‌ریزی ۴ ساله برای تمرین داشته باشی.

**پیش از اعزام فکر می‌کردی به مدال برسی؟**  
من در رکوردهای ثبت‌شده نفر سوم بودم. فکر می‌کردم به مدال برسم اما رنگش مشخص نبود.

**پیمان، همسر تان هم از کسب مدال خوشحال بود؟**  
هنوز فکری نکردم اما مشکل این است امکاناتی که در ایران هست برای یک مربی کافی نیست و نمی‌تواند کار کند. این رشته ورزش پایه است ولی به آن رسیدگی نمی‌شود. احسان حدادی که نایب‌قهرمان المپیک است همیشه با مشکل مربی روبه‌رو بوده، ما که دیگر جای خود داریم.

**با این نقره صاحب چند مدال شده‌ای؟**  
هفتمین مدالم بود. در مسابقات قهرمانی آسیا و رقابت‌های داخل سالن مدال‌هایی گرفته‌ام. در غرب آسیا هم دو مدال طلا دارم.

**در آمد شما از دوومیدانی چقدر است؟**  
بوشهر که دیگر تیم باشگاهی ندارد. فعلا هم پیشنهادهایی که می‌شود اصلا مناسب نیست و بی‌ارزش است. تنها در آمد من ماهانه یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. درباره تغذیه و مکمل هم کمک‌های صورت می‌گیرد.

**چطور شد به سمت دوومیدانی رفتی؟**  
۱۴ سالگی در مدرسه یکی از مربیان تشخیص داد که من برای دوومیدانی خوب هستم. به همین دلیل انتخابم کرد.

**پیمان رجبی چرا دوومیدانی را کنار گذاشت؟**  
شرایط این رشته چندان خوب نیست و باشگاهی هم وجود ندارد که او بخواهد قرارداد ببندد و به همین دلیل کنار گذاشته و کار دیگری انجام می‌دهد.

**وضع لباس تان چگونه است؟ فدراسیون برایتان تهیه می‌کند یا خودتان؟**  
لباس‌هایی به ما می‌دهند اما نمی‌توان استفاده کرد. من خودم لباس‌ها را از خارج از کشور می‌خرم. جنسی که می‌خرم خیلی بهتر از داخل ایران است. در این ۷ سال که ایران بودی، چندبار به بلاروس رفتی؟

۴ یا ۵ بار. البته پدر و مادرم به ایران سفر می‌کنند و آنها را می‌بینم.

**بین ورزشکاران بهترین دوستانت چه کسانی هستند؟**  
من با مریم طوسی و سپیده توکلی رابطه خوبی دارم.

با هم در تماس بودیم و او هم بسیار خوشحال شد. پیمان خیلی به من روحیه می‌داد. در این رشته کسب کرد. رجبی در سال ۸۶ با تغییر تابعیت و پذیرفتن دین اسلام به کشورمان آمد و به همسری پیمان رجبی درآمد و اکنون سال‌هاست که پیراهن تیم ملی ایران را بر تن کرده است.

**از چهل و هوای روز مسابقات در اینچئون صحبت کن.**  
رقیب اصلی‌ام از چین بود که در کشوری مانند آلمان تمرین می‌کند. مدال برنز المپیک را داشته و در قهرمانی جهان صاحب عنوان است ولی من می‌توانستم با حضورش به مدال طلا برسم ولی هر چه تلاشم را کردم نشد.

**چرا؟**  
حرفانم مدت‌ها در کمپ‌های اروپایی تمرین می‌کنند و شرایط بهتری نسبت به ما دارند. آنها برنامهریزی کار می‌کنند. اردو برای ورزشکار بسیار خوب است اما نه این که تنها ۳ یا ۴ ماه مانده به

هیچ مشکلی برایت در تمرینات به‌وجود نیامد؟  
متأسفانه چندبار دست‌چشم آسیب دیده به‌خاطر تفاوت غلظت‌زدن‌ها نزدیک بود چندین بار خفه شوم. به‌رحال شانس آوردم و مربیان هم خیلی به من کمک کردند تا بعد از یک‌ماه به سیستم وارد شدم و در نهایت بازحالت فراوان به تیم ملی راه پیدا کردم.

**در اینچئون تک‌مدال اسلalom را به نام خود ثبت کردی، چه احساسی داری؟**  
در این رقابت‌ها حرفان کار کشته‌ای روبه‌روی خود داشتیم. آنها سال‌ها در آب‌های خروشان کار کرده بودند. رقیب چینی من که قهرمان جهان بود و حرف تایلندی نیز در اردوی بانکوک مرا پشت‌سر گذاشته بود. ژاپنی‌ها و کره‌ای‌ها هم خیلی قوی بودند که ضمنت‌غلظت‌زدن‌ها را پشت‌سر گذاشتم.

**استرس زیادی در بازی‌ها داشتی. گویا به‌راحتی نمی‌توانستی نفس‌یکشی...**  
بله فشار روانی بالا بود. نداشتن یک روانشناس در تیم دل‌هره‌ام را زیادت‌تر کرده بود. کسی هم نبود آرام کند. من حتی در حد یک ورزشکار حرفه‌ای نمی‌توانستم غذا بخورم.

**با این اوصاف،**

**خوب توانستی به**

**فینال برسی.**

بله ۶ ماه تمرین سخت و فشرده‌ای انجام داده بودم اما متأسفانه در فینال، حریف چینی روش مبارزه مرا خواند و نتوانستم مبارزه خوبی مقابل او داشته باشم و باختیم.

**همه تعجب کردند که به حریف چینی باختی؛ چون او را در فینال جهانی مغلوب کرده بودی؟**  
در بازی فینال شرایط فرق می‌کرد. ووشوکار چینی بازی مرا آنالیز کرده بود و دستم را خوانده بود. او در فینال با تکنیک جدیدی مبارزه کرد و در حدی جنگید که غافلگیر شدم. برعکس من که نوع مبارزه‌ام هیچ فرقی نکرد و همین امر باعث از دست دادن طلا شد. کاش مربی‌ام تغییر روش مبارزه‌ام به من تأکید ویژه می‌کرد.



قسمت این بود که با پیمان رجبی آشنا شدم و با هم ازدواج کردیم. من به ایران آمدم و تصمیم گرفتم برای ایران مسابقه بدهم.

**خانواده‌ات با این کار تو موافق بودند؟**  
نه، در ابتدا مخالف بودند، به‌ویژه مادرم. به‌خاطر این که ترس داشتند چون فرهنگ زندگی‌ام عوض می‌شود اما الان هیچ مشکلی ندارم.

**تحصیلات چيست؟**  
من تحصیلاتم درباره مربیگری دوومیدانی است و نمی‌دانم این‌جا چگونه آن را تطبیق دهم.

**دوست داری در ایران مربی دوومیدانی شوی؟**  
هنوز فکری نکردم اما مشکل این است امکاناتی که در ایران هست برای یک مربی کافی نیست و نمی‌تواند کار کند. این رشته ورزش پایه است ولی به آن رسیدگی نمی‌شود. احسان حدادی که نایب‌قهرمان المپیک است همیشه با مشکل مربی روبه‌رو بوده، ما که دیگر جای خود داریم.

**با این نقره صاحب چند مدال شده‌ای؟**  
هفتمین مدالم بود. در مسابقات قهرمانی آسیا و رقابت‌های داخل سالن مدال‌هایی گرفته‌ام. در غرب آسیا هم دو مدال طلا دارم.

**در آمد شما از دوومیدانی چقدر است؟**  
بوشهر که دیگر تیم باشگاهی ندارد. فعلا هم پیشنهادهایی که می‌شود اصلا مناسب نیست و بی‌ارزش است. تنها در آمد من ماهانه یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. درباره تغذیه و مکمل هم کمک‌های صورت می‌گیرد.

**چطور شد به سمت دوومیدانی رفتی؟**  
۱۴ سالگی در مدرسه یکی از مربیان تشخیص داد که من برای دوومیدانی خوب هستم. به همین دلیل انتخابم کرد.

**پیمان رجبی چرا دوومیدانی را کنار گذاشت؟**  
شرایط این رشته چندان خوب نیست و باشگاهی هم وجود ندارد که او بخواهد قرارداد ببندد و به همین دلیل کنار گذاشته و کار دیگری انجام می‌دهد.

**وضع لباس تان چگونه است؟ فدراسیون برایتان تهیه می‌کند یا خودتان؟**  
لباس‌هایی به ما می‌دهند اما نمی‌توان استفاده کرد. من خودم لباس‌ها را از خارج از کشور می‌خرم. جنسی که می‌خرم خیلی بهتر از داخل ایران است. در این ۷ سال که ایران بودی، چندبار به بلاروس رفتی؟

۴ یا ۵ بار. البته پدر و مادرم به ایران سفر می‌کنند و آنها را می‌بینم.

**بین ورزشکاران بهترین دوستانت چه کسانی هستند؟**  
من با مریم طوسی و سپیده توکلی رابطه خوبی دارم.

با هم در تماس بودیم و او هم بسیار خوشحال شد. پیمان خیلی به من روحیه می‌داد. در این رشته کسب کرد. رجبی در سال ۸۶ با تغییر تابعیت و پذیرفتن دین اسلام به کشورمان آمد و به همسری پیمان رجبی درآمد و اکنون سال‌هاست که پیراهن تیم ملی ایران را بر تن کرده است.

**از چهل و هوای روز مسابقات در اینچئون صحبت کن.**  
رقیب اصلی‌ام از چین بود که در کشوری مانند آلمان تمرین می‌کند. مدال برنز المپیک را داشته و در قهرمانی جهان صاحب عنوان است ولی من می‌توانستم با حضورش به مدال طلا برسم ولی هر چه تلاشم را کردم نشد.

**چرا؟**  
حرفانم مدت‌ها در کمپ‌های اروپایی تمرین می‌کنند و شرایط بهتری نسبت به ما دارند. آنها برنامهریزی کار می‌کنند. اردو برای ورزشکار بسیار خوب است اما نه این که تنها ۳ یا ۴ ماه مانده به

هیچ مشکلی برایت در تمرینات به‌وجود نیامد؟  
متأسفانه چندبار دست‌چشم آسیب دیده به‌خاطر تفاوت غلظت‌زدن‌ها نزدیک بود چندین بار خفه شوم. به‌رحال شانس آوردم و مربیان هم خیلی به من کمک کردند تا بعد از یک‌ماه به سیستم وارد شدم و در نهایت بازحالت فراوان به تیم ملی راه پیدا کردم.

**در اینچئون تک‌مدال اسلalom را به نام خود ثبت کردی، چه احساسی داری؟**  
در این رقابت‌ها حرفان کار کشته‌ای روبه‌روی خود داشتیم. آنها سال‌ها در آب‌های خروشان کار کرده بودند. رقیب چینی من که قهرمان جهان بود و حرف تایلندی نیز در اردوی بانکوک مرا پشت‌سر گذاشته بود. ژاپنی‌ها و کره‌ای‌ها هم خیلی قوی بودند که ضمنت‌غلظت‌زدن‌ها را پشت‌سر گذاشتم.

**استرس زیادی در بازی‌ها داشتی. گویا به‌راحتی نمی‌توانستی نفس‌یکشی...**  
بله فشار روانی بالا بود. نداشتن یک روانشناس در تیم دل‌هره‌ام را زیادت‌تر کرده بود. کسی هم نبود آرام کند. من حتی در حد یک ورزشکار حرفه‌ای نمی‌توانستم غذا بخورم.

**با این اوصاف،**

**خوب توانستی به**

**فینال برسی.**

بله ۶ ماه تمرین سخت و فشرده‌ای انجام داده بودم اما متأسفانه در فینال، حریف چینی روش مبارزه مرا خواند و نتوانستم مبارزه خوبی مقابل او داشته باشم و باختیم.

**همه تعجب کردند که به حریف چینی باختی؛ چون او را در فینال جهانی مغلوب کرده بودی؟**  
در بازی فینال شرایط فرق می‌کرد. ووشوکار چینی بازی مرا آنالیز کرده بود و دستم را خوانده بود. او در فینال با تکنیک جدیدی مبارزه کرد و در حدی جنگید که غافلگیر شدم. برعکس من که نوع مبارزه‌ام هیچ فرقی نکرد و همین امر باعث از دست دادن طلا شد. کاش مربی‌ام تغییر روش مبارزه‌ام به من تأکید ویژه می‌کرد.